

بدیع از دیدگاه زیبایی‌شناسی

هادی اکبرزاده

بدیع از دیدگاه زیبایی‌شناسی، تقی وحیدیان کامیار، تهران، سمت، چاپ اول ۱۳۸۳.

فنون یا صناعات ادبی، بخشی از شیوه‌های زیبایی‌آفرینی سخن هستند، یعنی بخشی از شگردهایی که زبان را به شعر تبدیل می‌کنند یا به گفته ساختگرایان، در زبان نظام جدیدی به وجود می‌آورند و سبب آشنایی زدایی و غرابت آن می‌گردند.

اولین کتاب در صناعات ادبی را عبدالله بن معتر در سال ۲۷۴ ق به نام البدیع در هفده صنعت نوشت. سپس عبدالقاهر جرجانی (متوفی ۴۷۱ ق) در کتاب‌های *دلایل الاعجاز* و *اسرار البلاغه* دو بخش از فنون ادب را به دقت بررسی کرد.

سکاکی (متوفی ۶۲۶ ق) در کتاب *مفتاح العلوم* این دو بخش را علم معانی و بیان نامید و در پایان علم بیان، مشهورترین فنون باقیمانده را آورد که معتقد بود جنبه تحسین و تزئین دارند.

تا روزگار سکاکی منظور از کلمه «بدیع» تمام زیبایی‌های لفظی و معنوی بوده و کلمه

«بدیع» را در مفهوم بلاغت و نقد علمی به کار می‌برده‌اند، بدون این که تقسیمات امروزی را در نظر داشته باشند.

سکاکی نخستین کسی است که میان علوم بلاغی تفاوت قائل شد و حد و مرز علوم سه گانه معانی، بیان، و بدیع را مشخص ساخت، مباحث علم «بیان» را بر تشبیه، استعاره، مجاز، و کنایه منحصر کرد و در علم «معانی» از مباحث جمله و آنچه به جمله ارتباط پیدا می‌کند، بحث کرد. وی از انواع فنون بدیعی تحت اسم «محسنات» سخن گفت و آنها را به محسنات لفظی و معنوی منقسم ساخت.

بعدها خطیب قزوینی (متوفی ۷۳۹ق)، آنچه را که سکاکی محسنات گفته بود، علم بدیع نامید؛ به عبارتی دیگر نام «بدیع» که ابن معتر آن را برای کل صناعات به کار برده بود، منحصر به این فنون باقی ماند.

خطیب قزوینی سه بخش فنون ادب (معانی، بیان، و بدیع) را چنین تعریف کرد:

- علم معانی: دانش شناختن احوال لفظ است از جهت مطابقت با مقتضای حال.

- علم بیان: دانش ایراد معنی واحد به شیوه‌های مختلف است که از نظر وضوح و خفی با هم تفاوت دارند.

- علم بدیع: دانش شناختن راه‌های زیبا ساختن سخن است پس از رعایت آن با مقتضای حال و وضوح دلالت، یعنی نخست، سخن باید از نظر علم معانی و بیان درست باشد و آنگاه به زیبا ساختن آن از نظر صناعات بدیعی پرداخت.

تفتازانی نیز در مطول همان تعریف‌های خطیب قزوینی را آورده و تأکید کرده است که صناعات بدیعی در صورتی مفیدند که در کلام ابتدا رعایت معانی و بیان شده باشد و الا صناعات بدیعی همانند مرواریدهایی هستند که بر گردن خوک آویزند، و در بحث علم بیان می‌گوید که علم بیان جزو بلاغت است، بر خلاف بدیع که از توابع آن است.

حاجی خلیفه هم در مورد بدیع می‌گوید: «فایده علم بدیع، زیبایی بخشیدن به سخن است تا بی‌درنگ وارد گوش شود و بی‌زحمت در دل نشیند، اما مقصود از وضع و تدوین این علم این است که اگر چه گوهر اصلی سخن در گرو زیبایی ذاتی آن است، یعنی رعایت اصول علم معانی و بیان، اما زیبایی عرضی نیز می‌تواند مورد توجه باشد و سودمند افتد، زیرا که زیبارویان اگر از زیور ظاهری نهی شوند چه بسا برخی کوتاه‌بینان از دریافت حسن اصلی و

زیبایی جبلی بازمانند و از زیبایی‌ها بهره نبرند.^۱

چنان که دیدیم، از زمان سکاکی که صناعات بدیعی را صرفاً برای تحسین کلام معرفی کرد و بعد از او خطیب، قزوینی، که این صناعات بدیعی را در حد آرایش کلام و فرع بر معانی و بیان به حساب آورد، علمای بلاغت نه تنها این نظرات را پذیرفتند، بلکه با دید منفی‌تر به بدیع نگریستند و همان نظرات را دیگر نویسندگان کتب بدیع تا روزگار ما تکرار کردند. اما حقیقت آن است که علمای بلاغت از قدیم تا امروز نه تنها به تحلیل و بررسی دقیق فنون بدیعی پرداخته‌اند، بلکه نظر آنها دربارهٔ این فنون صرفاً سطحی است و از نگرش عمیق و ژرف در تحقیقاتشان خبری نیست. علمای بلاغت در شعر و ادب زیبایی‌هایی می‌دیدند، اما گاه در تشخیص و کشف عامل اصلی آن دچار اشتباه شده‌اند و در مواردی نیز فقط به ظاهر توجه داشته‌اند، و اگر چه کتاب‌های بدیعی بسیاری نوشته شده، ولی کمتر کسی عملاً به این مقوله پرداخته است.

کتابی که اخیراً با نوعی نگاه جدید و زیباشناختی به این مقوله پرداخته است و شاهد چاپ دوم آن هستیم، کتاب ارزشمند بدیع از دیدگاه زیبایی‌شناسی اثر دکتر تقی وحیدیان کامیار است که در یک پیش‌گفتار و هشت فصل در زمستان سال ۱۳۸۳ در ۱۸۰ صفحه برای دانشجویان رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی در مقطع کارشناسی به عنوان منبع اصلی درس بدیع تنظیم و تدوین و از سوی انتشارات سمت در ۱۵۰۰ نسخه چاپ و منتشر شده است. مؤلف در این کتاب به جای استفاده از «صنایع» و «آرایه‌های بدیعی»، اصطلاح «ترفندهای بدیعی» را به کار می‌برد و می‌گوید: «بعضی از کتاب‌های بدیع، "آرایه بدیعی" را به جای صنعت به کار برده‌اند که بهتر از "صنعت" است، اما "آرایه" حاکی از دید غلطی است که بدیع را علم آرایش کلام می‌داند، لذا اصطلاح "ترفند بدیعی" مناسب‌تر از "آرایهٔ بدیعی" می‌نماید.» (ص ۱۳).

این کتاب، نخستین کتابی است که تا به حال بر پایهٔ اصول زیباشناختی تدوین یافته است. شعر، آفرینش زیبایی با زبان است یا به عبارت دیگر، زیبایی است که زبان را به درجهٔ شعر تعالی می‌بخشد؛ پس اصل و جوهر شعر، زیبایی است و هنر همهٔ ترفندهای شاعرانه (آرایه‌های بدیعی) آن است که زبان را زیبایی بخشد. به همین دلیل همهٔ بحث‌ها و تقسیم‌بندی‌های بدیع می‌باید بر پایهٔ زیبایی باشند.

۱. کشف‌الظنون، به نقل از ادبیات و تعهد در اسلام، محمدرضا حکیمی، تهران، ۱۳۵۸، ص ۹۳.

از آنجا که در کتاب‌های بدیع، از گذشته تا امروز، عوامل زیبایی‌آفرینی در ترفندهای بدیعی بررسی و تحلیل نشده‌اند، لازم است به برخی از اشکالات آنها در تعاریف و تقسیم‌بندی ترفندهای بدیعی اشاره کنیم و نگاه نقادانه و ژرف مؤلف کتاب بدیع از دیدگاه زیبایی‌شناسی و «خلاف آمد عادت» او را تحسین کنیم:

- در کتب بدیع از گذشته تا حال رسم بر این بوده که فقط تعریفی سطحی و ظاهری از هر صنعت همراه با یک یا چند مثال، معمولاً تکراری، بیاورند، حال آن که بر اساس این کتاب، ترفندهای ادبی، زیبایی‌آفرین هستند و باید بر اساس اصول زیبایی‌شناسی بررسی و تعریف شوند نه بر پایه منطق خشک و بی‌روح.

اصولاً همه علمای بلاغت به ترفندهای بدیعی - و حتی بیانی - از دید علمی نگریسته‌اند نه زیبایی‌شناسانه، به همین خاطر آنچه در کتاب‌های بدیع گذشته تا امروز آمده، نه تنها نقش و ارزش زیبایی‌آفرینی ترفندهای بدیعی را نشان نمی‌دهد، بلکه تعریف‌ها و مطالب سطحی و بسا ناراست و نادرست است. علمای بلاغت در اشعار شاعران، ابیات زیبایی دیده‌اند، اما به راز و زیبایی آنها پی نبرده‌اند و شاید هم در اندیشه این کار نبوده‌اند، لذا در تعریف‌های خود فقط به ظاهر پرداخته‌اند.

در روزگار ما گرچه دو تن از مؤلفان کتاب‌های بدیع به ضرورت بررسی صناعات از دید زیبایی‌شناسی اشاره کرده‌اند، اما نه تنها شالوده‌کار و تقسیم‌بندی‌های ترفندهای بدیعی این کتاب‌ها بر اساس اصول زیباشناسی نیست، بلکه حتی در یکی از دو کتاب، که نامش زیباشناسی سخن پارسی است، جز به ندرت، سخن از راز ترفندها نرفته است؛ مثلاً درباره زیبایی هیچ یک از صناعات لفظی سجع، جناس، اشتقاق، ردّالصدر الی العجز، ردالعجز الی الصدر، عکس، تکرار، ذوقافیتین، اعنات، ذوبحرین، و غیره سخنی گفته نشده است و تنها استثنا ردالمطلع است. در صناعات معنوی نیز وضع چنین است؛ مثلاً درباره شناساندن و باز نمودن زیبایی‌ها و علل آن در صناعاتی مانند تنسیق الصفات، سیاقه‌الاعداد، تسهیم، متتابع، التفات، مراعات‌النظیر، تضاد، ارسال‌المثل، جمع، تفریق، تقسیم، لف و نشر، ایهام و... بحثی نشده و تنها به زیبایی تجاهل‌العارف و تلمیح اشاره گردیده است. در کتاب گاهی تازه به بدیع نیز، جز به ندرت، سخن از زیبایی نرفته است. در این کتاب ترفندها به روش جدیدی طبقه‌بندی گردیده‌اند، اما این دیدگاه از نوع زیبایی‌شناسانه نیست، حال آن که باید این تقسیم‌بندی‌ها و تعاریف بر مبنای زیبایی‌شناسی باشد و در صورتی این طبقه‌بندی‌ها ارزش دارد که بر پایه اصول زیباشناختی استوار باشد. تنها فرق طبقه‌بندی کتاب گاهی تازه

به بدیع با کار گذشتگان در این است که طبقه‌ها ریز تر شده است. البته بعضی از طبقه‌بندی‌ها مبنای زیباشناختی نیز دارند، ولی در این کتاب به این جنبه حتی اشاره هم نشده است. از طرفی تقسیم‌بندی در آن دقیق نیست، مثلاً دو روش سجع و روش جناس، دو طبقه متمایز به حساب آمده‌اند، حال آن که در یک طبقه قرار دارند؛ زیرا هر دو بر اصل تکرار تام یا ناقص استوارند. غلو و مبالغه نیز جزو روش تشبیه نیستند، و دیگر اشکالات.

- نکته دیگر اینکه چون در ترفندها بررسی لازم صورت نگرفته است، لذا بعضی چیزها مانند «اطراد» (ذکر نام ممدوح - یا کسی - و پدران او به ترتیب) که اصلاً آرایه (ترفند) نیستند، در طبقه‌بندی منظور گردیده‌اند.

- مسئله بسیار مهمی که علمای بدیع نیز به آن نپرداخته‌اند، تحلیل و بررسی ترفندهای بدیعی و زیبایی‌آفرینی هر یک از آنها و همچنین میزان کاربرد آنها در اشعار است. - در هیچ یک از کتاب‌های بدیعی درباره ضرورت نو بودن ترفندهای بدیعی سخن نرفته است، حال آن که این ترفندها، همانند ترفندهای بیانی، در صورتی ارزشمند هستند که بدیع و آفریده ذهن خلاق شاعر باشند، نه تقلیدی و تکراری.

- اهمیت ترفندهای بدیعی در گذشته و امروز بررسی نگردیده است؛ در صورتی که بسیاری از ترفندها در شعر و ادب امروز، مگر به تصادف، دیده نمی‌شوند، در حالی که در ادب گذشته بسیار به کار می‌رفته‌اند. حقیقت آن است که شاعران کلاسیک، با حفظ اشعار شاعران پیش از خود، و با تمرین و ممارست در به کار بردن این گونه ترفندها مهارت می‌یافته‌اند و این ترفندها در شعرشان شکل می‌گرفته است؛ حال آن که ترفندهای کم‌ارزش در شعر امروز اعتباری ندارند و هرگز شاعران در اندیشه بهره‌گیری از این ترفندها نیستند. باید گفت آنچه را که علمای بدیع صناعات بدیعی دانسته‌اند، همه از یک مقوله و دارای ارزش یکسان نیستند، بلکه برخی زیبایی‌آفرین و مهم‌اند و برخی کم‌اهمیت، و بعضی بی‌اهمیت و فاقد زیبایی، و به طور کلی صناعات بدیعی را می‌توان به شش مقوله زیر تقسیم کرد:

۱. صناعاتی که به کار گرفتن آنها در ساختن نظم (نه شعر) بسیار دشوار و شگفت‌انگیز است و به کار بردن آنها جز با تعمد و تکلف میسر نیست و صناعاتی فاقد زیبایی هستند، مانند ساختن نظمی که حروف آن بی‌نقطه باشند.

۲. صناعاتی که گرچه زیبایی دارند، اما برخلاف دیگر آرایه‌ها و ترفندهای شعری، جنبه بصری دارند و حال آن که شعر در وهله اول هنری سمعی است؛ به عبارت دیگر این گونه

صناعات بیشتر از مقوله هنرهای بصری همانند نقاشی، تذهیب، منبت‌کاری، و قلمزنی هستند. از طرفی به کار بردن این گونه صناعات با تعمد و قصد و طرح قبلی همراه است و حال آن‌که شعر ناب ثمره الهام و مکاشفه است نه تعمد و طرح قبلی. این گونه نظم بیشتر جنبه تفنن داشته و کاربرد آن نیز اندک بوده است و در اشعار شاعران بزرگ دیده نمی‌شود. این نوع آرایه‌ها موشح نام دارند و نوعی از آن شعر مشجر است که به شکل درخت نظم می‌یافته و نوعی دیگر شعر مطّیر که به صورت پرنده بوده است.

۳. صناعاتی که گرچه علمای بدیع آنها را صنعت نامیده‌اند، اما واقعیت آن است که آرایه نیستند و هیچ‌گونه زیبایی‌ای ندارند؛ مانند صنعت «اطراد» که بیشتر ذکر شد.^۱

۴. صناعاتی که زیبایی آنها جنبه آرایشی دارد، یعنی بودن آنها به زیبایی شعر می‌افزاید اما به تنهایی به کلام، شعریت نمی‌تواند بدهد؛ مانند مراعات نظیر.

۵. صناعاتی که موسیقایی هستند؛ مانند سجع، ذوقافیتین، جناس، توزیع حروف و غیره. این صناعات نه تنها جنبه آرایش ندارند، بلکه بر مبنای موسیقی هستند که یکی از دو عامل شعریت شعر است. چنان‌که گفته‌اند: «راه‌های شناخته شده تمایز زبان یا رستاخیز کلمه‌ها را می‌توان به دو قسمت تقسیم کرد: گروه موسیقایی، گروه زبان‌شناسیک».^۲

۶. صناعاتی که از مقوله صور خیال هستند؛ یعنی آنها می‌توانند در تجسم بخشیدن عواطف سرشار شاعران به طور طبیعی و به دور از تعمد نقش مهمی داشته باشند.

لازم به ذکر است که در این کتاب همه ترفندهای ادبی بر اساس شش عامل زیبایی‌آفرین زیر تقسیم‌بندی و تنظیم گردیده است: ۱. تکرار؛ ۲. تناسب؛ ۳. غیرمنتظره بودن؛ ۴. بزرگنمایی؛ ۵. چندبعدی بودن؛ ۶. استدلال.

فصل هفتم کتاب در مورد ترفندهای است که جنبه دیداری دارند و در فصل هشتم ترفندهایی آمده است که زیبایی اصلی آنها مرهون عوامل دیگری است. اینک تشریح هر یک از فصول هشتگانه کتاب:

- فصل اول: تکرار: ترفندهایی که در این فصل آمده، بر اساس عامل زیبایی‌آفرین تکرار هستند و مؤلف تکرار را به دو بخش تکرار طبیعی و تکرار موسیقایی تقسیم کرده است.

در بخش تکرار موسیقایی آمده است: «بعضی موسیقی در کلام را زائیده تکرار هجای

۱. نگاهی تازه به بدیع، سیروس شمیسا، تهران، انتشارات فردوس، ۱۳۶۸، ص ۱۱۹.

۲. موسیقی شعر، محمدرضا شفیع کدکنی، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۶۸، چاپ دوم، ص ۱۷.

کلمه یا جمله می‌دانند و به عبارت دیگر کل موسیقی شعر را مرهون تکرار می‌دانند. مؤلف تکرار موسیقایی را بر دو گونه آزاد و منظم تقسیم می‌کند که تکرار آزاد را تابع نظم نمی‌داند و ترفندهایی مانند تکرار حرف (واج)، انواع جناس، اشتقاق و شبه اشتقاق را در این قسمت بررسی و تحلیل می‌کند؛ مثلاً در مورد زیبایی‌های جناس می‌آورد: زیبایی‌های جناس و جنبه هنری آن ناشی از چند چیز است:

۱. تداعی معانی، دریافت همگونی میان دو واژه، موسیقی گوشنوازی ایجاد می‌کند.
 ۲. کشف ابهام شگفت‌انگیز میان دو واژه متجانس که در عین یکی بودن متفاوت هستند؛ یعنی وحدت لفظی و تفاوت معنایی (کثرت در عین وحدت) شادی آور است.
 ۳. غرابت واژه‌های متجانس، ناشی از وجود وحدت در عین کثرت، سبب برجستگی لفظی و حتی معنایی آنها می‌شود.
- ترفندهای اعنات، تکرار منظم حروف، ردالفافیه، ذوقافیتین، سجع، مزدوج، ردالمطلع، ردالصدر، ردالعجز، تشابه الاطراف، عکس لفظی، موازنه، تکرار نحوی و ترصیع، نیز بر پایه تکرار منظم هستند. در همین بخش «تکرار نحوی» یکی از ترفندهایی است که علمای بدیع تا به حال به آن توجه نداشته‌اند و حال آن که برجسته و زیباست و در ادب غرب نیز جزو ترفندهای ادبی است:

نهاد	متمم	مضاف الیه	صفت	صفت
دانا	چو طبله	عطار [است]	خاموش	و هنرنمای
و نادان	چو طبل	غازی	بلند آواز	و میان تهی (سعدی)

که چون ویژگی‌های نحوی بخش یا مصرع دوم، اولی را تداعی می‌کند، ذهن از این دریافت لذت می‌برد. تکرار نحوی نوعی قرینه‌سازی نحوی است و مانند هر قرینه‌سازی دیگر زیباست و علاوه بر این، این تکرار با تأکید همراه است.

- فصل دوم: تناسب: تناسب نیز یکی از عوامل زیبایی‌آفرینی است. ابوریحان بیرونی معتقد است که «نفس آدمی به هر چیزی که در آن تناسبی وجود داشته باشد، میل می‌کند و از آنچه بی‌نظام است رویگردان است و مضمثر»^۱ حتی بعضی از دانشمندان اساس زیبایی را

هماهنگی و تناسب می‌دانند. تناسب یعنی ایجاد یا دریافت نظم و رابطه میان پدیده‌ها و از آنجا که حسن کنجکاوای انسان را ارضا می‌کند شادی آور و زیباست.

از طرفی، در تناسب وحدتی میان اجزای پراکنده ایجاد یا دریافت می‌شود و به عبارت دیگر تناسب، کثرت و تفرق را به وحدت می‌رساند. به گفته دکتر خانلری «هر نوع تناسب و قرینه‌سازی میان اجزای پراکنده، وحدتی پدید می‌آورد که ادراک مجموع اجزا را سریع و آسان تر می‌کند و همین نکته سبب احساس آسایش و لذت می‌شود»^۱.

مؤلف در این فصل به بررسی هر یک از ترفندهای بدیعی مراعات نظیر، تضاد، مقابله، جمع، تفریق، لف و نشر، تلمیح، ارساد، براعت استهلال، توشیح، حشو، حسن تخلص که در آنها تناسب و هماهنگی اساس زیبایی است پرداخته و از زیبایی‌های هر یک از این ترفندها سخن گفته است.

- فصل سوم: غیرمنتظره بودن و غافلگیری: فرمالیست‌ها بر این باورند که زبان در صورتی ارزش ادبی پیدا می‌کند که آشنایی زدایی شده و دارای غرابت باشد، زیرا زبان خیر، زبانی است تکراری، عادی، آشنا و فرسوده که فقط وسیله‌ای است برای برقراری ارتباط و خبررسانی و چون برانگیزنده توجه نیست به کار شعر و ادب نمی‌آید. اصولاً هنر همه شگردهای شاعرانه در آن است که به زبان غرابت بدهند و آن را آشنایی زدایی کنند از این رو است که ترفندهای ادبی که بر مبنای غافلگیری استوار هستند، بیش از همه به زبان غرابت می‌بخشند. در مورد اهمیت غافلگیری و خلاف انتظار بودن کلام همین بس که در داستان کوتاه، غافلگیری عامل اساسی است، زیرا تمام جاذبه داستان در این است که قابل پیش‌بینی نباشد و بر خلاف انتظار و غافلگیرکننده باشد.

نویسنده کتاب، ترفندهای بدیعی متناقض‌نما، تهکم، استثنای منقطع، ذم شبیه به مدح، مدح شبیه به ذم، استدراک، استبتاع، اسلوب حکیم، عکس معنا، عکس مجازی، التفات، و تجرید، را بر اصل غافلگیری و غیرمنتظره بودن استوار دانسته است و زیبایی‌های هر یک از آنها را با تیزبینی و نکته‌سنجی بیان کرده است.

- فصل چهارم: بزرگنمایی: بزرگنمایی در صور خیال سبب برجستگی و قدرت تأثیر کلام می‌شود و به هر میزان که باشد دروغ نیست، بلکه شگردی است برای تأثیر بخشیدن. مؤلف کتاب، در این فصل، ترفندهای بدیعی مبالغه، اغراق، غلو، تجاهل العارف، صنعت

۱. وزن شعری فارسی، پرویز نائل خانلری، تهران، صص ۵ و ۶.

شاعرانه تنسيق الصفات، و مقایسه (سجش) را مبتنی بر اصل زیبایی آفرینی بزرگنمایی دانسته است و زیبایی‌های هر یک از آنها را بررسی و تحلیل نموده است.

- فصل پنجم: دو یا چند بعدی بودن: ترفندهای دو یا چند بعدی، ترفندهایی یا معنایی یا وزنی (ذو بحرین) هستند.

دو یا چند معنایی خود دو گونه دارد: ۱. از کلام دو معنای متفاوت بر می آید و این شامل ترفندهای ابهام، محتمل الضدین و استخدام است؛ ۲. سخن یک معنی بیشتر ندارد، اما یکی از واژه‌ها علاوه بر معنای عادی خود معنای دیگری هم به ذهن متبادر می‌کند، بی آن که کل کلام دو معنایی باشد، مانند ابهام تناسب و ابهام تضاد.

- فصل ششم: استدلال: مؤلف با بیان این نکته که استدلال منطقی زمانی می‌تواند زیبا باشد که جنبه عاطفی داشته و بدیع باشد، ترفندهای حسن تعلیل، مذهب کلامی، ارسال المثل و مذهب فقهی (یا تشبیه تمثیل) را با توجه به زیبایی‌های هر یک بررسی کرده است.

- فصل هفتم: ترفندهای دیداری: ترفند تصویر یا موشح، شعر هندسی، شعر تجسمی و فراهنجاری نوشتار در این فصل مورد بحث قرار گرفته‌اند. این ترفندها مربوط به صورت نوشتاری است و با چشم رابطه دارند، همانند نقاشی و پیکر تراشی.

- فصل هشتم: در فصل آخر نیز ترفندهایی آمده است که زیبایی آنها وابسته به ترفندهای دیگر است. این شگردها در حقیقت زیبایی خود را مرهون ترفندهای بدیعی، بیانی و غیره هستند، و بدون آنها ترفندی شاعرانه نیستند که عبارت‌اند از: حسن مطلع، حسن مقطع، سؤال و جواب، حشو ملیح، حسن تخلص، حسن طلب. به عنوان مثال نویسنده در ترفند سؤال و جواب آورده است: سؤال و جواب به خودی خود - برخلاف نظر علمای بدیع - زیبایی ندارد، مثل این پرسش و پاسخ: گفتم: «دیروز کجا رفته بودی؟» گفت: «به کتابخانه.» پرسش و پاسخ عادی حتی اگر موزون و مقفی هم باشد باز زیبا نیست:

گفت خادم را که در آخور برو راست کن بسهر بهیمه گاه و جو
گفت لاحول این چه افزون گفتن است از قدیم این کارها کار من است
مولوی

زیبایی سؤال و جواب مرهون عوامل دیگری از جمله اسلوب حکیم و گاه حسن تعلیل، تشبیه، عکس معنایی، جناس، طنز و غیره است و در همه موارد پاسخ باید بدیع باشد و غیرمنتظره و معمولاً رندانه. پس ترفند سؤال و جواب با زیبایی ترفندهای دیگر زیبا

می‌شود. از طرفی چون به صورت پرسش و پاسخ است زیبایی‌اش افزون‌تر است.^۱ به هر حال، از جمله روش‌هایی که اهل علم را به‌طور جدی به خود واداشته است، پژوهش‌های میان‌رشته‌ای است؛ در کتاب حاضر، نگارنده با اشرافی که به مسائل زبان‌شناسیک دارد و غوری که سال‌ها در لابه‌لای متون برجای مانده از گذشته داشته است، به شایستگی از عهده هم‌آمیزی زیباشناسانه این مقوله برآمده است. طرفه این که تمامی مثال‌های کتاب، بدیع بوده، تکراری نیست و از آوردن مثال‌های عربی نیز پرهیز شده است. آمیختن مثال‌ها با اشعاری از شاعران نوپرداز از معاصرگواهی بر یافتن ترفندهای امروزی در این کتاب است. نکته قابل اشاره دیگر درباره کتاب مزبور این است که خوشبختانه در آن اغلاط مطبعی چاپ اول (انتشارات دوستان) دیده نمی‌شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. بدیع از دیدگاه زیبایی‌شناسی، ص ۱۵۷.